

کتاب دانیال — شماره دوازده

تاریکی

Jeff Pippenger

2023-12-07

سخنی یا عبارتی که در کلام الهام شده دوبار تکرار می‌شود، نمادی از پیام فرشته دوم است.

و در سال دوم سلطنت نبوکدنصر، نبوکدنصر خواب‌هایی دید، و روح او مضطرب شد، و خواب از چشمانش گریخت. پس پادشاه فرمان داد که جادوگران و منجمان و افسونگران و کلدانیان را بخوانند تا خواب‌های پادشاه را برای او بیان کنند. پس آمدند و در حضور پادشاه ایستادند. و پادشاه به ایشان گفت: خوابی دیده‌ام، و روحم مضطرب شده است تا خواب را بدانم. دانیال ۲:۱-۳

در «تاریکی» شب، نبوکدنصر خوابی تمثالی را دید، اما نتوانست خواب را به یاد آورد. در رؤیای شب، تمثالی را در خواب دید، اما خواب آن تمثال برای فهم او همان قدر تاریک بود که شبی که آن خواب را دیده بود.

سپس کلدانیان به زبان آرامی به پادشاه گفتند: «ای پادشاه، تا ابد زنده باش! خواب را به بندگان بگو تا تعبیرش را بیان کنیم.» پادشاه در پاسخ به کلدانیان گفت: «این امر از من رفته است؛ اگر خواب را با تعبیر آن بر من معلوم نسازید، قطعه‌قطعه خواهید شد و خانه‌هایتان به مزبله مبدل خواهد گردید. اما اگر خواب و تعبیر آن را بیان کنید، از من هدایا و پاداش‌ها و اکرام عظیم خواهید یافت؛ پس خواب و تعبیر آن را بر من آشکار سازید.» دانیال ۴:۲-۷

آزمون رؤیای تمثال نبوکدنصر، آزمونی بود که برای تشخیص این امر طراحی شده بود که چه کسی می‌تواند توصیفی نبوی درست از تمثالی که در تاریکی پوشیده شده است، همراه با تعبیر محتوای رؤیا، ارائه دهد. پیام فرشته دوم که در تاریخ میلریتی با پیام فریاد نیمه‌شب پیوست، در ایلیا در جریان مقابله بر کوه کرمل نمونه‌سازی شده بود. آن نیز آزمونی بود که آشکار می‌ساخت، نه تنها خدای حقیقی کیست، بلکه نبی حقیقی نیز چه کسی است. ویلیام میلر، که خواهر وایت به‌صراحت می‌گوید در ایلیا نمونه‌سازی شده بود، در کوه کرمل نماینده ایلیا بود. با این حال، آنچه بازنمایی می‌شد خود ویلیام میلر نبود، بلکه بیشتر قواعد تفسیر نبوی بود که او هدایت شده بود تا آن‌ها را درک کند. در کوه کرمل، انبیای خدای مذکر بعل و انبیای خدای مؤنث آشتروت به‌عنوان انبیای دروغین آشکار شدند. در تاریخ میلریتی‌ها، کلیساهای پروتستان، چنان‌که در کوه کرمل نمونه‌سازی شده بود، به‌عنوان انبیای دروغین آشکار شدند.

جب کلیساؤں نے ولیم ملر کے نبوی تفسیر کے اصولوں کو رد کیا، تو وہ روم کی بیٹیاں بن گئیں۔ نبوی اعتبار سے، بیٹی اپنی ماں کی ایک شبیہ ہوتی ہے۔ وہ آزمائش جس میں پروٹسٹنٹ ملرائٹ تاریخ میں ناکام ہوئے، وہی آزمائش تھی جس نے حیوان کی ایک شبیہ (بیٹی) کو ظاہر کیا اور پیدا کیا۔ وہیں حقیقی پروٹسٹنٹ ازم کا سینگ مرتد پروٹسٹنٹ ازم کے سینگ کے مقابل ظاہر ہوا۔ نبوکدنصر ایک تعبیر کا مطالبہ کر رہا تھا، اور ایسا کرتے ہوئے وہ عنایتی طور پر جھوٹے اور سچے دونوں نبیوں کے ظہور کو پیدا کرنے میں شامل تھا۔

آنان دوبارہ پاسخ دادند و گفتند: «پادشاه خواب را به بندگان خود بگوید، و ما تعبیر آن را بیان خواهیم کرد.» پادشاه در پاسخ گفت: «به‌یقین می‌دانم که شما می‌خواهید وقت را به دست آورید، زیرا می‌بینید که مطلب از من رفته است. اما اگر خواب را بر من معلوم نسازید، برای شما جز یک حکم نیست؛ زیرا شما خود را آماده کرده‌اید که سخنان دروغین و فاسد در حضور من بگویید تا

زمان دگرگون شود. پس خواب را به من بگوئید، تا بدانم که می‌توانید تعبیر آن را برایم بیان کنید.»
دانیال ۷:۲-۹

در پایان دوره‌های آزمون، تمایزی که در کوه کرمل و در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آشکار شده بود، در فصل دوم دانیال نیز به تصویر کشیده شد. در سه بازنمایی نبوی کوه کرمل، تاریخ میلری و رؤیای نبوکدنصر درباره آن تمثال، تأکید بر تفسیر صحیح نبوی است، چنان‌که در ایلیا، میلر و دانیال نمایان شده است. تفسیر رؤیا همان پیامی است که در تاریخی که در آن دو طبقه از انبیا ظاهر می‌شوند، از مهر گشوده می‌گردد.

گلدانیان در حضور پادشاه پاسخ داده، گفتند: «بر روی زمین انسانی نیست که بتواند امر پادشاه را بیان کند؛ از این‌رو هیچ پادشاه، سرور یا حاکمی هرگز چنین اموری را از هیچ مجوسی، یا منجم، یا گلدانی نخواسته است. و آنچه پادشاه طلب می‌کند امری دشوار است، و هیچ‌کس دیگری نیست که بتواند آن را به حضور پادشاه آشکار سازد، جز خدایان که مسکن ایشان با بشر نیست.» از این سبب، پادشاه خشمگین و بسیار غضبناک شد، و فرمان داد که همه حکیمان بابل را هلاک کنند.
دانیال ۱۰:۲-۱۲.

در کوه کرمل، ایلیا آن آزمون را پیشنهاد کرد، و آزمونی که او پیشنهاد نمود نه تنها برای آشکار ساختن این بود که خدای حقیقی کیست، بلکه نیز این‌که نبی حقیقی کدام است. در باب دوم دانیال، این گلدانیان‌اند که آزمونی را مشخص می‌کنند که تمایز میان حقیقی و کاذب را آشکار ساخت. آنان توضیح می‌دهند که تعبیری را که نبوکدنصر در پی آن است، تنها خدا می‌تواند آشکار سازد، نه انسان. همچنین آنان شکایت داشتند که رابطه میان نبوکدنصر و حکیمان دینی او رابطه‌ای نادرست است، آن‌گاه که می‌گویند: «چیزی که پادشاه می‌طلبد نادر است.» آنان آرزو دارند که پادشاه، که نماینده دولت است، از قلمرو دینی‌ای که در آن خود مرجع شناخته شده‌اند، دور بماند. اعتراض آنان به اصول اتحاد کلیسا و دولت نیست؛ اعتراضشان این است که نبوکدنصر، در مقام نماینده دولت، می‌خواهد کنترل کلیسا را در دست گیرد. آنان با رابطه کلیسا و دولت احساس راحتی می‌کردند، اگر رهبران دینی بر دولت حکم می‌راندند. آزمون صورت حیوان جایی است که ما سرنوشت ابدی خود را تعیین می‌کنیم—و همچون رؤیای صورت نبوکدنصر، آزمونی است مرگ و زندگی.

اور حکم صادر هوا کہ حکیموں کو قتل کر دیا جائے؛ اور وہ دانی ایل اور اُس کے ساتھیوں کو بھی قتل کرنے کے لیے تلاش کرنے لگے۔ تب دانی ایل نے بادشاہ کے محافظوں کے سردار اریوک کو دانش مندی اور تدبیر کے ساتھ جواب دیا، جو بابل کے حکیموں کو قتل کرنے کے لیے نکلا تھا۔ اُس نے جواب دے کر بادشاہ کے سردار اریوک سے کہا، بادشاہ کی طرف سے یہ فرمان اتنی عجلت سے کیوں صادر ہوا؟ تب اریوک نے یہ معاملہ دانی ایل پر ظاہر کر دیا۔ دانی ایل 13:2-15.

هنگامی که بر دانیال درباره فهم اوضاع حیات و مرگ رؤیای آن تمثال هنوز ناشناخته روشنایی داده می‌شود، او نمایانگر روشن شدن صد و چهل و چهار هزار نفر به این حقیقت است که آنان در تاریخ آزمون دوم و دیداری فرایند آزمون سه مرحله‌ای قرار دارند. اما دانیال صرفاً نماینده کسانی نیست که برگزیده‌اند خوراک درست را بخورند و بدین‌سان از آزمون نخست گذشته‌اند، بلکه همچنین نماینده آن نماینده انسانی است که خدا به او بینشی ویژه درباره نبوت کتاب مقدسی عطا کرده بود.

۽ انهن چئن ٻارن بابت، خدا انهن کي هر قسم جي علم ۽ حڪمت ۾ ڄاڻ ۽ مهارت عطا ڪئي؛ ۽ داني ايل کي سڀني رڻپتن ۽ خوابن جي سمجھه هئي. داني ايل 17:1.

اگرچه هر چهار عبرانی وفادار همگی از آزمون خوراکی سرافراز بیرون آمدند، دانیال به‌عنوان پیام‌آور رؤیاها و خواب‌ها برگزیده شد. دانیال نمایانگر پیام‌آور نبوی است، چنان‌که در الیاس، یحیی تعمیددهنده، یوحنا مکاشفه‌گر، ویلیام میلر، و Future for America بازنمایی شده است. پیام‌آور

نبوی هرگز از آزمون نبوی جدا نیست.

در زمان مسیح، آنان که شهادت یحیی را رد کردند، نمی‌توانستند از عیسی بهره‌مند شوند. در تاریخ میلری، آنان که پیام اول را رد کردند (که ویلیام میلر نماینده آن بود)، نمی‌توانستند از پیام دوم بهره‌مند شوند. در هر دو تاریخ، وفاداران تشخیص نمی‌دادند که فرایند آزمون به کجا منتهی می‌شود. شاگردان از دیدن صلیب امتناع می‌ورزیدند، هرچند آشکارا به ایشان گفته شده بود که این واقعه رخ خواهد داد. میلریان نمی‌توانستند ناامیدی عظیم را ببینند. دانیال، هنگامی که از آریوخ از اوضاع مرگ و زندگی مرتبط با رؤیای مجسمه نبوکدنصر آگاه شد، نمی‌دانست محتوای رؤیا چه بود یا آزمون مجسمه به کجا می‌انجامید. تنها چیزی که می‌دانست این بود که مسئله، مسئله مرگ و زندگی است. از این‌رو، دانیال برای فهم تفسیر نیازمند زمان بود.

سپس دانیال به حضور پادشاه درآمد و از او درخواست کرد که به وی مهلت دهد تا تعبیر را به پادشاه بنمایاند. دانیال ۲:۱۶.

دانیال در آزمون نخست، در رژیم غذایی (روش‌شناسی)‌ای که تصمیم گرفته بود بخورد، ایمان را ظاهر ساخته بود. از این‌رو به او زمان داده شد، همان‌گونه که به شاگردان در زمان مسیح داده شد. زمانی که به شاگردان داده شد، بازه زمانی مرگ، دفن، قیام، و صعود آغازین مسیح بود، پیش از آن‌که او با شاگردان در راه عیثوس ملاقات کند، و سپس بار دیگر در بالاخانه. آنگاه در پایان آن زمان، روح‌القدس را بر ایشان دمید.

و چون این را گفت، بر ایشان دمید و به آنان گفت: روح‌القدس را بیابید. یوحنا ۲۰:۲۲.

حزقی‌ایل نبوت کرد و استخوان‌های مرده به هم پیوستند. سپس حزقی‌ایل بار دیگر نبوت کرد و روح‌القدس بر بدن‌های تازه‌شکل‌گرفته دمیده شد، و ایشان همچون لشکری عظیم بر پا ایستادند. هنگامی که مسیح بر شاگردان دمید، فهم ایشان را گشود.

سپس فهم ایشان را گشود تا کتب مقدس را دریابند. لوقا ۲۴:۲۵.

تمام انبیا از پایان جهان سخن می‌گویند، و دانیال نیز از این قاعده مستثنا نیست. مدتی که او درخواست کرد، دوره‌ای بود تا روشنایی و فهم دریافت کند. زمان انتظار برای میلری‌ها از نخستین ناامیدی آغاز شد تا هنگامی که دریافتند در زمان درنگ، در ارتباط با نبوت‌های متی باب بیست‌وینج و حبقوق باب دو، قرار دارند. تاریخ زمان درنگ در تاریخ میلری به هنگام پیام فرشته دوم تحقق یافت. دانیال باب دو همان تاریخ را بازنمایی می‌کند؛ از این‌رو، درخواست دانیال برای زمان، از نظر نبوی، با زمان درنگ میلری‌ها همسو است. بنابراین، درخواست دانیال برای زمان و زمان درنگ میلری‌ها، زمان درنگ صد و چهل و چهار هزار را نمایان می‌سازد، که در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ آغاز شد.

درخواست دانیال برای وقت یافتن تا خواب تصویر نبوکدنصر را دریابد، در مکاشفه باب یازدهم به صورت آن سه روز و نیم نمود یافته است که در آن دو شاهد در کوچه افتاده مرده بودند. در تاریخ آن سه روز و نیم مکاشفه یازدهم، یعنی آن سه روز و نیم که به‌طور نمادین نمایانگر بیابانی نبوی است، آوازی هست که ندا می‌کند. آن آواز انسانی که تسلی‌دهنده آن را به کار می‌برد تا بیدار سازد و استخوان‌های خشک مرده را به حیات آورد، به‌وسیله دانیال بازنمایی شده است؛ همان که مکاشفه نبوی درباره این‌که خواب چه بود و چه چیزی را نشان می‌داد، به او داده شد. آن صدای نداکننده در بیابان، چنان‌که دانیال آن را بازمی‌نماید، فهم نبوی خواب‌ها و رؤیاها را یافته است. آن صدا ندا می‌کند، و بدین‌سان آشکار می‌سازد که پیام فریاد نیمه‌شب به او سپرده شده است؛ و این فریاد در نیمه‌شب داده می‌شود، که نمایانگر تاریکی است.

در عمیق‌ترین تاریکی نیمه‌شب، به صدا (دانیال) فهم پیامی عطا شد که در تاریکی پوشیده شده بود. فرمانی که به صدا (حزقیال) داده شد، این است که به استخوان‌های خشکِ مرده نبوت کند. و چون چنین می‌کند، تسلی‌دهنده بر مردگان افتاده در کوچه دمیده می‌شود و آنان «زنده می‌شوند». اما این احیا تنها به واسطه دعا به انجام می‌رسد. دعا نشانه‌ای در تاریخ احیای استخوان‌های خشکِ مرده‌ای است که در کوچه کشته شده‌اند. دانیال به‌طور نبوی نمایانگر آن نشانه است، درست در همان جایگاه مناسب که آن نشانه در آنجا شناخته می‌شود.

احیای دینداری راستین در میان ما بزرگ‌ترین و فوری‌ترین همه نیازهای ماست. جستن این امر باید نخستین کار ما باشد. باید کوششی جدی برای به‌دست‌آوردن برکتِ خداوند به‌عمل آید، نه از آن‌رو که خدا مایل نیست برکتِ خویش را بر ما عطا فرماید، بلکه از آن‌رو که ما برای دریافتِ آن آماده نیستیم. پدر آسمانی ما بسی مایل‌تر است که روح‌القدس خود را به آنان که از او درخواست می‌کنند عطا کند، تا والدین زمینی که هدایای نیکو به فرزندان خود می‌دهند. اما وظیفه ماست که با اعتراف، فروتنی، توبه، و دعای جدی، شرایطی را که خدا بر پایه آن‌ها وعده داده است برکتِ خویش را به ما عطا فرماید، به‌جا آوریم. تنها در پاسخ به دعا باید انتظارِ احیا را داشت. تا هنگامی که مردم تا این اندازه از روح‌القدس خدا تهی هستند، نمی‌توانند موعظه کلام را ارج نهند؛ اما وقتی قدرتِ روح دل‌های ایشان را لمس کند، آنگاه گفتارهایی که ارائه می‌شود بی‌اثر نخواهد بود. آنان که در جلسات ما حضور می‌یابند، با هدایتِ تعالیم کلام خدا، همراه با ظهور روح او، و در به‌کارگیری تشخیصِ درست، تجربه‌ای گران‌بها به‌دست خواهند آورد و چون به خانه‌های خویش بازگردند، آماده خواهند بود تا تأثیری سالم و سودمند بر جای نهند.

قدیم معیاربردار جانتے تھے کہ دعا میں خدا کے ساتھ کشمکش کرنا کیا ہوتا ہے، اور اُس کے روح کے انڈیلے جانے سے لطف‌اندوز ہونا کیا معنی رکھتا ہے۔ لیکن یہ اب عمل کے منظر سے رخصت ہوتے جا رہے ہیں؛ اور ان کی جگہ پر کرنے کے لیے کون ابھر رہے ہیں؟ نوخیز نسل کی حالت کیا ہے؟ کیا وہ خدا کی طرف رجوع کر کے تبدیل ہو چکی ہے؟ کیا ہم اُس کام کے بارے میں بیدار ہیں جو آسمانی مقدس میں جاری ہے، یا ہم اس انتظار میں ہیں کہ کوئی زبردست قوت کلیسیا پر نازل ہو تب ہم بیدار ہوں؟ کیا ہم یہ امید رکھتے ہیں کہ ساری کلیسیا میں پھر سے جان ڈال دی جائے گی؟ وہ وقت کبھی نہ آئے گا۔

»در کلیسا اشخاصی هستند که ایمان نیاورده‌اند و در دعای جدی و پیروزمندانه متحد نخواهند شد. ما باید هر یک به‌طور فردی به این کار وارد شویم. باید بیشتر دعا کنیم و کمتر سخن بگوییم. شرارت فزونی می‌یابد، و باید به مردم تعلیم داده شود که به صورتِ دینداری، بدون روح و قدرتِ آن، قانع نباشند. اگر در پی تفتیشِ دل‌های خود، دور ساختن گناهانِ خویش، و اصلاح تمایلاتِ شیرانه‌مان باشیم، جان‌های ما به سوی بطالت افراشته نخواهد شد؛ به خود بی‌اعتماد خواهیم بود، و احساسی پایدار خواهیم داشت که کفایت ما از خداست. «Selected Messages، کتاب 1، 121، 122.

بر اساس ایمان به رژیم غذایی‌ای که دانیال برگزیده بود بخورد، او سپس وارد فرایندی آزمونی دیداری شد که از او می‌خواست از روشی که رژیم غذایی‌اش نمایانگر آن بود استفاده کند، تا نخست وعده دهد که خدای او خواب را شناسایی کرده و توضیح خواهد داد، و پس از آن ارائه آن خواب را به پادشاه به انجام رساند. او رژیم غذایی درست، یا روش‌شناسی درست، را در اختیار داشت، و سپس می‌بایست ایمان خود را به‌گونه‌ای دیداری آشکار سازد، با ارائه پیام خوابِ تمثالِ نبوکدنصر که در «تاریکی» مطلق بود. اقدام بعدی او، ظهور دیداری ایمانش بود، زیرا آنگاه فرمول الهی را برای قوم خدا به کار بست، هنگامی که ایشان خود را در تاریکی می‌یابند.

«شریر کی تاریکی اُن لوگوں کو گھیر لیتی ہے جو دُعا کرنے میں غفلت برتتے ہیں۔ دشمن کی سرگوشی بھری آزمائشیں انہیں گناہ کی طرف لہاتی ہیں؛ اور یہ سب اِس لیے ہوتا ہے کہ وہ اُن مراعات سے فائدہ نہیں اٹھاتے جو خدا نے دُعا کے الٰہی انتظام میں انہیں عطا کی ہیں۔ خدا کے بیٹے اور بیٹیاں دُعا کرنے میں ہچکچاہٹ کیوں کریں، جبکہ دُعا ایمان کے ہاتھ میں وہ کنجی ہے جو آسمان کے خزانے کو کھول دیتی ہے، جہاں قادر مطلق کی بے کران وسائل محفوظ ہیں؟ مسلسل دُعا اور مستعد بیداری کے بغیر ہمیں خطرہ لاحق رہتا ہے کہ ہم غفلت شعار ہو جائیں اور سیدھی راہ سے ہٹ جائیں۔ مخالف برابر یہ کوشش کرتا ہے کہ تختِ رحمت تک جانے والی راہ میں رکاوٹ ڈالے، تاکہ ہم سنجیدہ التجا اور ایمان کے وسیلہ سے فضل اور وہ قوت حاصل نہ کر سکیں جو آزمائش کا مقابلہ کرنے کے لیے درکار ہے۔» Steps to Christ, 94

با تاریکی محتوای رؤیای شبانہ نبوکدنصر، دانیال با سہ رفیق خود گرد آمد و دعا کرد.

پس دانیال بہ خانہ خود رفت و این امر را بہ حننیا و میثائیل و عزریا، رفقای خویش، اعلام کرد؛ تا از خدای آسمان در خصوص این راز طلب رحمت کنند، مبدا دانیال و یارانش با سایر حکیمان بابل ہلاک شوند۔ آنگاہ این راز در رؤیای شبانہ بر دانیال مکشوف گردید۔ پس دانیال خدای آسمان را متبارک خواند۔ دانیال پاسخ داد و گفت: نام خدا تا ابدالآباد متبارک باد، زیرا حکمت و قدرت از آن اوست۔ و او زمانہا و فصلہا را تغییر می‌دهد؛ پادشاہان را برمی‌دارد و پادشاہان را برپا می‌سازد؛ بہ حکیمان حکمت می‌بخشد و بہ صاحبان فہم معرفت عطا می‌کند۔ او امور عمیق و نہانی را مکشوف می‌سازد؛ آنچه را در تاریکی است می‌داند، و نور نزد او ساکن است۔ ای خدای پدرانم، تو را سپاس می‌گویم و تو را می‌ستایم، زیرا بہ من حکمت و قدرت عطا کردہ‌ای، و اکنون آنچه را از تو درخواست کردہ بودیم بر من معلوم ساختہ‌ای، زیرا اکنون امر پادشاہ را بر ما معلوم گردانیدہ‌ای۔ دانیال ۱۷:۲-۲۳۔

آنگاہ دانیال از سوی او کہ «آنچه را در تاریکی است می‌داند» پاداش یافت۔ جنبش قانون‌گذاری برای یکشنبہ در تاریکی پیش می‌رود، و از کسانی کہ بہ خوردن خوراک الٰہی اقرار کردہ‌اند خواستہ می‌شود کہ شکل‌گیری صورتِ وحش را کہ سکوی دینی و سیاسی لازم برای تحمیل نشان اقتدار پاپی را آمادہ می‌سازد، تشخیص دہند۔

فصل دوم دانیال نہ صرفاً تاریخ فرشتہ دوم در تاریخ میلری را مشخص می‌سازد، بلکہ بہ طور مستقیم‌تر، تاریخ فرشتہ دوم را در جنبش فرشتہ سوم بہ تصویر می‌کشد۔ در آزمون رؤیای مجسمہ نبوکدنصر، آزمون تصویر وحش بازنمایی شدہ است۔ مراحل نبوی بیدار شدن قوم خدا بہ شرایط مرگ و حیاتِ قانون یکشنبہ کہ در حال نزدیک شدن است، بہ گونه‌ای بسیار مشخص در کتاب‌های دانیال و مکاشفہ معرفی شدہ است۔

دانیال، نمایانگر پیام‌آور آن تاریخی است کہ در آن، پیام حیات‌یامرگ خوابِ تمثال بہ پیش می‌رود۔ او بر خوراکِ کہ بہ فہم آن رسیدہ است، استوار می‌ایستد و بہ ایمان اظہار می‌دارد کہ خدا می‌تواند رؤیا را معلوم سازد، اما او مہلت می‌طلبد۔ این مہلت، زمان تأخیر است۔ در پایان زمان تأخیر، معرفتِ آنچه در خوابِ تاریک نبوکدنصر بود بہ او عطا می‌شود، اما نہ فقط ہمین۔ او نہ تنها فہم خوابِ تمثال را دریافت می‌کند، کہ مشیر بہ تمثال وحش و آزمون وابستہ بہ آن است، بلکہ در پایان زمان تأخیر نیز خدا را حمد می‌گوید، زیرا خدا «حکمت را بہ حکیمان می‌بخشد و معرفت را بہ آنان کہ فہم دارند عطا می‌کند؛ امور عمیق و نہانی را مکشوف می‌سازد؛ آنچه را در تاریکی است می‌داند، و نور با او ساکن است۔»

دانیال در اینجا ستایش خود را در این چارچوب قرار می‌دهد کہ «افزایش معرفت» روی دادہ است؛ زیرا او کہ در باب دوازدهم مشخص می‌سازد کہ «حکیمان» «افزایش معرفت» را خواهند فہمید،

همچنین خدا را می‌ستاید که به «حکیمان»، «حکمت» و «معرفت» عطا کرده است. او به‌طور مستقیم به باکره‌های حکیم اشاره می‌کند و زمان خود را با زمان درنگ پیوند می‌دهد. او تمثیل موجود در باب دوم را به‌طور مستقیم در تحقق کامل زمان درنگ متی بیست و پنج، در جنبش فرشته سوم، قرار می‌دهد. مهم‌تر از آن، این واقعیت است که کتاب مکاشفه مشخص می‌سازد که درست پیش از بسته شدن زمان آزمایش، به یوحنا گفته شد که اقوال نبوت‌های کتاب‌های دانیال و مکاشفه را مهر مکن، زیرا آن‌ها یک کتاب واحدند.

اور اُس نے مجھ سے کہا، اس کتاب کی نبوت کی باتوں پر مہر نہ لگا، کیونکہ وقت نزدیک ہے۔ جو ناراست ہے، وہ ناراست ہی رہے؛ اور جو ناپاک ہے، وہ ناپاک ہی رہے؛ اور جو راست باز ہے، وہ راست باز ہی رہے؛ اور جو مقدس ہے، وہ مقدس ہی رہے۔ مکاشفہ 22:10، 11۔

زمانی که نبوت‌های دانیال و مکاشفه باید گشوده شوند، در زمان درنگ مثل ده باکره است، و آن زمان با درخواست دانیال برای مهلت نمایانده شده است. درخواست او برای مهلت با دعا دنبال شد، و این امر باید پیش از رستاخیز استخوان‌های خشک مرده واقع شود. در آن دوره زمانی که افزایش معرفت و فهم پیکره رؤیا که در تاریکی پوشیده شده بود آشکار گردید، خدا کاری دیگر نیز برای دانیال انجام داد. «او امور عمیق و نهانی را مکشوف می‌سازد.» امر نهانی تاریخ فریاد نیمه‌شب، همان نبوت مکاشفه است که درست پیش از بسته شدن زمان آزمون گشوده می‌شود. آن امر «عمیق و نهانی»، «حقیقت» است.

حقیقت به کلید نبوتی بدل می‌شود که بر روی رسولی که دانیال نمایانگر اوست گشوده می‌گردد و بدین‌سان تاریخ پنهان «هفت رعد» شناخته می‌شود. این تاریخ پنهان، تاریخ سه نشانه راه است. نخستین آن نومیادی است و آخرین آن نیز نومیادی است، چنان‌که در تاریخ میلری به تصویر کشیده شده است. واژه عبری‌ای که به «حقیقت» ترجمه شده، به‌وسیله «لسان‌شناس شگفت‌انگیز» از ترکیب حرف نخست، سیزدهم، و آخر الفبای عبری پدید آورده شد. عیسی اول و آخر است، و او «حقیقت» است. ساختار آن واژه‌ای که «لسان‌شناس شگفت‌انگیز» پدید آورد، سه نشانه راه نبوتی را مشخص می‌سازد که همان تاریخ پنهان «هفت رعد» هستند؛ همان‌ها که باید مهر می‌شدند تا زمانی که دانیال برای «زمان» درخواست کرد و به دعا رفت.

ناامیدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ نخستین نشانه راه بود، و این ناامیدی مرتبط با آخرین سه نشانه راه، یعنی قانون یکشنبه، را به تصویر می‌کشد. حرف میانی، یعنی حرف سیزدهم، نمادی از عصیان است، و همچنین نماد نشانه راه میانی تاریخ پنهان هفت رعد می‌باشد. این عصیان به‌وسیله باکره‌های جاهل در فریاد نیمه‌شب نمایانده می‌شود، زیرا فریاد نیمه‌شب نشانه راه میانی تاریخ سه مرحله‌ای ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، فریاد نیمه‌شب، و قانون یکشنبه‌ای است که به‌زودی خواهد آمد. به محض آنکه نیمه‌شب فرا رسد، زمان وارد ساعت سیزدهم می‌شود، جایی که ظهور آشکار باکره‌های جاهل از رهگذر تشخیص ایشان مبنی بر این‌که روغن طلایی را ندارند، نشان داده می‌شود.

در «بیابان» نمادین «سه روز و نیم» مکاشفه فصل یازدهم، قوم خدا به مثابه کسانی به تصویر کشیده شده‌اند که در تاریخ نمادین لعنت «هفت زمان» به‌سر می‌برند. در پایان آن دوره، ایشان باید دریابند که پراکنده شده‌اند، گناه کرده‌اند، پدرانشان گناه کرده‌اند، برخلاف خدا رفتار کرده‌اند، و خدا نیز برخلاف ایشان رفتار کرده است. این شناخت باید آنان را به دعا کردن دعای لاویان بیست و شش رهنمون سازد. این تشخیص که باید دعای باب بیست و ششم لاویان را به‌جا آورند، از لحاظ نبوی با دعای دانیال در دانیال فصل دو هماهنگ است، و به‌وسیله دعای دانیال در فصل نه به تصویر کشیده می‌شود. سبب آنکه دانیال در فصل نه دعای لاویان بیست و شش را به‌جا آورد، مبتنی بر این تشخیص او بود که در پایان هفتاد سال نبوت ارمیا درباره اسارت قوم خدا قرار داشت.

همان هفتاد سال، تاریخ مَهر شدن قوم خدا را نمایندگی می‌کند. آن هفتاد سال، تطهیر باب سوم ملاکی و دو بار تطهیر هیکل به وسیله مسیح را نمایندگی می‌کند. آن‌ها تاریخ آزمون صورتِ وحش را نمایندگی می‌کنند. آن تاریخ در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد و با قانون یکشنبه قریب‌الوقوع به پایان می‌رسد. در پایان آن دوره نمادین هفتادساله، دانیال در پی «زمان تأخیر» برمی‌آید تا بتواند دعا کند. دعای او هنگامی مستجاب شد که راز نهایی نبوت بر او مکشوف گردید. آن مکاشفه در حالی به او رسید که قوم راستین پروتستان خدا هنوز پس از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ در زمان پراکندگی «بیابان» بودند. در آن زمان، «حقیقت» بر «آوای نداکننده در بیابان» مکشوف شد.

در مقاله بعدی، فصل دوم دانیال را ادامه خواهیم داد.

و غضبِ خداوند بر این زمین افروخته شد تا همه لعنت‌هایی را که در این کتاب نوشته شده است بر آن وارد آورد؛ و خداوند ایشان را با خشم و غضب و غیظِ عظیم از سرزمینشان برگرداند و به سرزمینی دیگر افکند، چنان‌که امروز نیز چنین است. چیزهای نهانی از آن یهوه، خدای ماست؛ اما آنچه مکشوف شده است تا ابد از آن ما و فرزندان ماست، تا همه سخنان این شریعت را به‌جا آوریم. تثنیه 29:27-29.